

Received: 2023/9/19
Accepted: 2024/10/12
from 183 to 203

Mohammad Ghorbanzadeh
Assistant Professor,
Quran and Sciences Group,
Khorasan Representative Office,
Jamia Al-Mustafa Al-Ilmia,
Mashhad, Iran.
(Corresponding Author)
m_ghorbanzadeh@miu.ac.ir

Mohammad Reza Saleh
Assistant Professor,
Theology Philosophy Group,
Khorasan Representative Office,
Jamia Al-Mustafa Al-Ilmia,
Mashhad, Iran.
Miusaleh110@gmail.com

Zahra Razaeei
Doctoral Student, Jamia Al-
Mustafa Al-Ilmia, Khorasan
Representative Office, Quran and
Sciences Program with a focus on
Educational Sciences.
rezaiez26@yahoo.com

Keywords:

Attitude formation, elements
of attitude formation, attitude
formation in education, developing
patience, Surah Yusuf.

Analysis and Examination of the Attitude Formation Method in Education on the Subject of Patience in the Holy Quran (Case Study of Surah Yusuf)

Abstract

The attitude formation method encompasses cognitive, emotional, and ethical elements. Due to its comprehensiveness, its application in education is effective. This article addresses the three dimensions of the attitude formation method, outlining goals, foundations, and principles for each dimension in relation to the topic of patience. The educational characteristic of patience is a significant theme emphasized in the Holy Quran, which presents various strategies for fostering this trait. Numerous works exist on the subject of patience; this article analyzes and examines the attitude formation method in cultivating the educational trait of patience from the perspective of the Holy Quran. In this study, the library research method was utilized to analyze the attitude formation method in education (specifically in developing the trait of patience, with a case study of Surah Yusuf). The cognitive, emotional, and behavioral elements in attitude formation aimed at establishing the educational and ethical quality of patience, centered on Surah Yusuf, were examined. Efforts were made to clarify the educational messages and directives of the Holy Quran in Surah Yusuf based on these elements. The findings indicate that the Holy Quran, emphasizing educational foundations, principles, and methods, articulates ways to develop patience across cognitive, emotional, and behavioral dimensions.

تحلیل و بررسی روش نگرش‌سازی در تربیت در موضوع صبر در قرآن کریم (مطالعه موردی سوره یوسف)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۲۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۲۱
از صفحه ۱۸۳ تا صفحه ۲۰۳

محمد قربان زاده

استادیار، جامعه المصطفی العالمیه
نماینده‌گی خراسان. (نویسنده مسئول)
m_ghorbanzadeh@miu.ac.ir

محمد رضا صالح

استادیار، جامعه المصطفی العالمیه
نماینده‌گی خراسان.
Miusaleh110@gmail.com

زهرا رضایی

دانش‌پژوه مقطع دکتری، جامعه
المصطفی العالمیه نماینده‌گی خراسان،
رشته قرآن و علوم با گرایش علوم
تربیتی، مشهد.
mailto:rezaiez26@yahoo.com

چکیده

روش نگرش‌سازی شامل عناصر شناختی، عاطفی و اخلاقی است. بنابراین به دلیل جامعیت، به‌کارگیری آن در تربیت مؤثر است. در این مقاله با توجه به سه بُعد روش نگرش‌سازی، اهداف، مبانی و اصول در هر بعد روش نگرش‌سازی در موضوع صبر تنظیم شده است. خصیصه تربیتی صبر از موضوعات مورد تأکید قرآن کریم است و راهکارهای متعددی برای ایجاد این خصیصه در قرآن مطرح شده است. تألیفات متعددی در راستای موضوع صبر موجود است؛ این مقاله به تحلیل و بررسی روش نگرش‌سازی در ایجاد خصیصه تربیتی صبر از دیدگاه قرآن کریم پرداخته است. در این پژوهش در تحلیل و بررسی روش نگرش‌سازی در تربیت (ایجاد خصیصه صبر و مطالعه موردی در سوره یوسف) از روش کتابخانه‌ای بهره‌جسته شده است و با استفاده از این روش، عناصر شناختی، عاطفی و رفتاری در راستای ایجاد ویژگی تربیتی و اخلاقی صبر با محوریت سوره یوسف^(ع) مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است و سعی بر این بوده است که پیام‌ها و دستورات تربیتی قرآن کریم در سوره یوسف بر اساس عناصر فوق تبیین گردد. با توجه به مطالب مطرح شده در این پژوهش، قرآن کریم با تکیه بر مبانی، اصول و روش‌های تربیتی، راه‌های ایجاد صبر را در حیطه شناختی، عاطفی و رفتاری بیان نموده است.

واژگان کلیدی:

نگرش‌سازی، عناصر نگرش‌سازی،
نگرش‌سازی در تربیت، ایجاد صبر،
سوره یوسف.

۱- مقدمه

بررسی آیات و روش‌های تربیتی قرآن کریم به دلیل آثاری که در جامعه‌سازی و تمدن‌سازی اسلامی دارد از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است. هدف از این پژوهش، تبیین تحلیل و بررسی روش تربیتی نگرش‌سازی با در نظر گرفتن مبانی، اصول و روش‌های تربیتی در سوره مبارکه یوسف است. روش نگرش‌سازی یکی از روش‌های تربیتی کارآمد در ایجاد خصیصه‌های مثبت اخلاقی و تربیتی است؛ لذا در ایجاد خصیصه تربیتی و اخلاقی صبر نیز می‌توان از این روش استفاده کرد. روش نگرش‌سازی شامل عناصر شناختی، عاطفی و رفتاری است؛ بنابراین به دلیل جامع بودن، به‌کارگیری این روش در تربیت نتیجه‌بخش خواهد بود. در این اثر با توجه به سه بُعد روش نگرش‌سازی و اهداف، مبانی و اصول، عوامل و موانع تربیتی، مطالب در سه بخش شناختی، عاطفی و رفتاری تنظیم شده و برای هر بخش راهکارهایی در ایجاد خصیصه صبر با محوریت آیات سوره یوسف ارائه و پیشنهاد شده است.

«صبر» از جمله موضوعات مورد تأکید قرآن کریم است و همچنین قرآن کریم به راهکارهای عملی برای ایجاد صبر اشاره نموده است؛ یکی از راهکارهای کلیدی و کارآمد روش نگرش‌سازی است. این پژوهش با ارجاع مستقیم به قرآن کریم و نیز نگاره‌های الکترونیکی موجود و کتاب‌های تفسیری و تربیتی صورت گرفته است.

۲- مفهوم نگرش‌سازی

نگرش از مفاهیم کاربردی در علم روان‌شناسی اجتماعی است. ترکیب شناخت‌ها، احساس‌ها و آمادگی برای عمل نسبت به یک چیز معین را نگرش شخص نسبت به آن چیز گویند (کریمی، ۱۳۷۳، ص ۲۹۵). همچنین در تعریف نگرش آمده است: «نگرش» یک حالت آمادگی ذهنی و عصبی است که از طریق تجربه سازمان می‌یابد و بر واکنش فرد نسبت به تمامی موضوع‌ها و موقعیت‌های وابسته به نگرش تأثیر مستقیم و پویا برجای می‌گذارد. (شریفی، ۱۹۹۱، ص ۴۱۳) در واقع نگرش جهت‌دهنده رفتار فرد و ایجادکننده و یا از بین‌برنده رفتاری خاص است.

نگرش شامل عناصر شناختی، عاطفی و رفتاری است:

۱- مؤلفه‌های شناختی: عبارت است از آگاهی، فهم و دانش.

نگرش به عنوان محرک و جهت‌دهنده رفتارهای انسان، عمدتاً مبتنی بر شناخت و اطلاعات فرد نسبت به مزایا و معایب شیء یا موضوع است. در واقع شکل‌دهنده اصلی رفتارهای انسان مربوط به حیطه شناخت و ذهنیت افراد است. عنصر شناختی، در ساحت تربیت علمی و عقلانی مطرح می‌شود.

۲- مؤلفه‌های عاطفی: عبارت است از ارزیابی، دوست داشتن و ترجیح دادن.

نگرش به عنوان محرک و جهت‌دهنده رفتارهای انسان، از عناصر عاطفی که مبتنی بر هیجان‌ها و ارزش‌ها است نیز متأثر است.

۳- مؤلفه‌های رفتاری: عبارت است از گرایش، میل، قصد و عمل کردن (بُهنر؛ وانک، ۱۳۸۴، ص ۱۷).

۳- نگرش‌سازی در تربیت

طبق مبنای اراده و انتخاب‌گری انسان و اصل اراده‌محوری در انسان، انسان موجودی است که بدون داشتن نگرش مثبت، متمایل به رفتاری نمی‌شود و با تمایل نداشتن به امری، رفتار و یا ویژگی خاصی نیز در انسان محقق نخواهد شد؛ بنابراین روش نگرش‌سازی مثبت نسبت به موضوع در واقع فعالیت ابتدایی و همچنین انتهایی (کل فعالیت) در ایجاد یک ویژگی در انسان است.

روش نگرش‌سازی یک روش مؤثر در تربیت است. برای تربیت و جامعه‌سازی استفاده از روش‌هایی که با زور و اجبار همراه است یا نتیجه نخواهد داشت و یا نتیجه عکس را به دنبال خواهد داشت و اگر هم نتیجه‌ای را به دنبال داشته باشد مداوم نخواهد بود. این شیوه به نوبه خود و با تأثیر ویژه‌ای که دارد، مبنای ارادی و انتخابی رفتارهای اخلاقی در مرتب‌تری را فراهم می‌آورد (خسروی و باقری، ۱۳۸۷، ص ۸۱-۱۰۵) بنابراین در تربیت تأثیرگذار است.

در شکل‌گیری نگرش‌ها گفته شده است که: نگرش‌ها، ویژگی‌های ذهنی افراد است که مشخصات دنیای اجتماعی و فیزیکی را در خود دارد و از راه تجربه کسب می‌شود و نتیجه آموزش و یادگیری است. چهار شرط عمده می‌تواند موجب پیدایی نگرش شود:

۱- تراکم تجربه: سر و کار داشتن با موضوع یا گروهی از اشخاص و تجربه‌های نزدیک یا مشابه آن.

۲- تمایز گذاشتن: در تجربه‌های جدیدی که به دست می‌آید نگرش را از نگرش‌های نزدیک به آن متمایز می‌سازند.

۳- ضربه عاطفی: بر پایه یک تجربه تلخ قرار دارد که شخص یا موضوعی در آن دخیل است.

۴- تقلید از دیگران: نگرش‌ها از طریق تقلید از والدین، دوستان و معلمان حاصل می‌شود و این شرط اهمیت بیشتری دارد و شمار زیادی از نگرش‌ها از این طریق ایجاد می‌شود (ستوده، ۱۳۷۶، ص ۱۴۷).

فرق روش تربیتی که بر پایه نگرش صورت گرفته باشد با سایر مدل‌های تربیتی در این است که به‌واسطه نگرش، موضوع تربیت برای مرتب‌تری درونی و نهادینه می‌شود و دیگر آن رفتار مطلوب را با میل و اراده خود انجام می‌دهد حتی اگر نظارت مرتب‌تری نباشد یا پاداش و تنبیهی در کار نباشد و حتی اگر فرد در شرایط سخت قرار داده شود همچنان به وظیفه خود عمل می‌کند (موسوی، ۱۳۹۷، ص ۳۳).

یکی دیگر از دلایل اهمیت نگرش در تربیت این است که این مقوله بر افکار اجتماعی مؤثر است، نحوه تفکر و پردازش اطلاعات را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به عنوان طرح ذهنی عمل می‌کند و به عبارت دیگر چارچوب‌های شناختی اطلاعات را در مورد مفاهیم موقعیت‌ها و حوادث، سازماندهی و نگهداری می‌کند و سرانجام بر فرایند رفتار اثر می‌گذارد و در سطح «فردی» نگرش‌ها بر ادراک تفکر و رفتار تأثیر می‌گذارند. در سطح بین فردی، اطلاعات در خصوص نگرش‌ها مرتباً تقاضا شده و فاش می‌گردد. اگر ما از نگرش‌های دیگران مطلع باشیم دنیا پیش‌بینی‌پذیرتر می‌شود و ممکن است تفکر و رفتار ما از طریق این دانش شکل بگیرد و تلاش کنیم تا رفتار دیگران را از طریق ایجاد تغییر در نگرش آنها کنترل نمائیم. در نهایت در سطح بین گروهی، نگرش‌ها

نسبت به گروه خودمان و دیگر گروه‌ها، در بطن تعاون و تعارض بین‌گروهی قرار دارد (عسگری قدس، ۱۳۹۱، ص ۳) بنابراین روش نگرش‌سازی، روش تأثیرگذار در همه ساحت‌های تربیتی است.

۴- مفهوم تربیت

«تربیت» مصدر باب تفعیل و از ریشه «ربو» یا «ربب» مشتق شده است. بعضی گفته‌اند «تربیت» از «ربو» به معنی رشد و زیادی است (ابن منظور، بی‌تا، ماده ربو). راغب کلمه «تربیت» را از «ربب» می‌داند و در مفردات «رب» را به معنای سیوروت و دگرگونی می‌گیرد، یعنی شیء در حال دگرگونی است تا به حدّ رشد و کمال برسد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ماده رب). التحقیق در مقام جمع دو قول می‌فرماید: «اصل واحد در ماده تربیت رشد همراه با زیادی است به معنای اینکه شیء در ذات خودش رشد می‌کند، سپس زیادی و اضافه حاصل می‌گردد» (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۴، ص ۱۸).

تربیت در اصطلاح به معنی برانگیختن و فراهم آوردن موجبات رشد و پرورش و شکوفایی تمامی استعدادها، توانایی‌ها و قابلیت‌های انسان به منظور رسیدن به کمال و سعادت مطلوب است (بهشتی، ۱۳۸۷، ص ۳۵).

۵- مفهوم صبر

«صبر» در لغت عرب به معنای حبس و در تنگنا و محدودیت قرار دادن است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۴۳۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۷۴) برخی نیز آن را بازداشتن نفس از اظهار بی‌تابی و بی‌قراری دانسته‌اند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۰۰۴). در معنای اصطلاحی صبر نظراتی مطرح شده است از جمله:

راغب اصفهانی می‌نویسد: «حبس النفس علی ما یقتضیه العقل و الشرع أو عمّا یقتضیان حبس‌ها عنه»؛ حبس نفس از آنچه عقل و شرع اقتضا می‌کند یا از آنچه که بازداشتن از آن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۷۴). زحیلی در تفسیر المنیر می‌نویسد: «حبس النفس علی ما تکره»؛ خود را به خاطر چیزی که از آن متنفر هستی بازداشت کن (زحیلی، ۱۴۱۸، ج ۱۳، ص ۱۵۴). سید حیدر آملی می‌گوید: «الصبر، و هو حبس النفس عن مطاوعة الهوی و مقاومتها إیاه»؛ صبر که خودداری از تسلیم شدن در برابر شور و مقاومت در برابر آن است (آملی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۴۸۷). فیض کاشانی می‌نویسد: «صبر یعنی پای فشردن بر دشواری در راه حق» (فیض کاشانی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۵۵). جزائری می‌نویسد: «ثبات باعث الدین فی مقابله باعث الهوی»؛ پایداری انگیزه دین در برابر انگیزه شور (جزائری، بی‌تا، ص ۱۱۴).

۶- صبر، از موضوعات تربیتی

صبر در ساحت تربیت اخلاقی مورد بحث قرار می‌گیرد و از عوامل تربیت جوانحی است. در مطالب ذیل ساحت تربیت اخلاقی و عوامل تربیت جوانحی توضیح داده می‌شود.

۶-۱- ساحت تربیت اخلاقی

ساحت تربیت اخلاقی دو قلمرو را پوشش می‌دهد. قلمرو اول منجر به شناسایی فضائل و رذائل نفسانی، ارزش‌ها و خاستگاه شکل‌گیری و درونی‌شدن این ارزش‌ها می‌شود و قلمرو دوم به اخلاق عملی موصوف است و فرد را به منش و شخصیتی می‌رساند که وی را در تنظیم روابط و رفتارهایش با خود، خدا، جامعه و محیط یاری می‌دهد (علی شاملی و دیگران، بی‌تا، ص ۲۰۳).

بنابراین در بخش مبنایی، مبانی ارزش‌شناختی با توجه به وصف و ویژگی صبر و مبنای انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی با توجه به موصوف‌الیه (انسان) قابل بحث و بررسی است.

۶-۲- عوامل جوانحی

«جوانح» در لغت به معنی استخوان قفسه سینه و به مجاز، به درون و باطن چیزی گفته می‌شود.

رفتارهای جوانحی، آن دسته از رفتارهای بینشی، گرایش و انگیزشی هستند که با اندام‌ها و قوای درونی (عقل و قلب) صورت می‌پذیرند (شاملی و دیگران، بی‌تا، ص ۱۸۲).

۷- عناصر نگرش‌سازی در ایجاد صبر (مطالعه موردی در سوره یوسف)

با توجه به داستان حضرت یوسف^(ع) در قرآن کریم، حضرت یعقوب^(ع) و حضرت یوسف^(ع) با مصائب و مشکلات زیادی مواجه شدند.

حضرت یعقوب^(ع) صبر پیشه کرد با اینکه فرزندی که بسیار محبوب بود را طولانی مدت از دست داد، فرزندان او به او دروغ گفته بود و حضرت یعقوب^(ع) این موضوع را می‌دانست ولی با این حال صبر کرد. حضرت یوسف^(ع) مورد آزار و اذیت برادران قرار گرفت، به عنوان برده توسط نزدیکترین کسان خود فروخته شد، به عنوان برده در خانه عزیز مصر زندگی و رشد کرد، مورد تهمت همسر عزیز مصر قرار گرفت، رنج زندان و دوری و فراق پدر را متحمل گردید. از جمله ویژگی‌های حضرت یوسف^(ع)، شیوه رفتار صبورانه‌اش است که در زمان‌های بحرانی، می‌تواند بهترین الگو و سرمشق قرار گیرد.

این نگرش (صبر) چگونه ایجاد شده بود که چنین مصائبی را قابل تحمل ساخت و چه روش‌هایی را حضرت یعقوب^(ع) و حضرت یوسف^(ع) در این راستا به کار بستند و چه عواملی در این راستا تأثیرگذار بوده است؟

در ادامه مطلب، تبیین روش تربیتی نگرش‌سازی با توجه به عناصر تشکیل‌دهنده آن (عناصر شناختی، عاطفی و رفتاری) و با در نظر گرفتن اهداف تربیتی، مبانی، اصول، روش‌ها، عوامل و موانع تربیتی در سوره مبارکه یوسف مد نظر است.

۸- اهداف تربیتی مبتنی بر عناصر نگرش‌سازی در ایجاد صبر در سوره یوسف

روش نگرش‌سازی شامل عناصر شناختی، عاطفی و اخلاقی است. لذا برای بررسی جزئی‌تر اهداف تربیتی مبتنی بر نگرش‌سازی سعی بر این بوده است که ذیل هر یک از عناصر اهداف تبیین گردد:

۹- اهداف تربیتی مبتنی بر عنصر شناختی در ایجاد صبر

عناصر ارزشی چون صبر از امور درونی شده در انبیا و اولیا است، بحث درونی شدن ارزش‌ها بر اساس این مبنای نظری انجام می‌شود که عمل آدمی بر مبنای سه‌گانه شناختی، گرایشی و ارادی شکل می‌گیرد. بنابراین، درونی شدن ارزش‌های اخلاقی به این معناست که مبنای شناختی، گرایشی و ارادی مناسب، حتی اگر این مبانی در شکل ناب و نهایی نباشند، در مورد رفتارهای ارزشی، در درون فرد فراهم می‌آید (خسروی و باقری، ۱۳۸۷، ص ۸۱-۱۰۵).

حضرت یعقوب^(ع) در سایه شناخت و معرفت عمیق نسبت به این عنصر ارزشی، در مواجهه با مصائب صبر پیشه کرد؛ چنانچه فرمود: «فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلٰی مَا تَصِفُونَ (یوسف: ۱۸)؛ اینک صبری نیکو [برای من بهتر است] و بر آنچه توصیف می‌کنید، خدا یاری‌ده است».

در کل معنای آیه این می‌شود که آن جناب می‌فرماید: من می‌دانم که شما در این قضیه مکر و حيله‌ای به کار برده‌اید و می‌دانم که یوسف را گرگ نخورده، لکن در کشف و برملا شدن دروغ شما و دستیابی به یوسف به اسباب ظاهری که بدون اذن خدا هیچ اثری ندارد دست نمی‌زنم، بلکه صبر می‌کنم و با توکل بر خدا حقیقت مطلب را از وی می‌خواهم. این جمله بیانگر توحید در فعل آن جناب است یعنی ایشان خواست بگوید تنها و یگانه مستعان خداست و مرا جز او کمک کننده‌ای نیست، و برای اینکه درجه و مقام توحید در فعل خود را تکمیل کند و به بالاترین حد برساند از خود نامی نبرد، نگفت «بزودی صبر خواهم کرد» و نگفت «من در آنچه شما می‌گویید به خدا استعانت می‌جویم»، بلکه خود را به‌کلی کنار گذارد و فقط از خدا دم زد تا برساند که همه امور منوط به حکم خداست و تنها حکم او حق است، پس این عبارت کمال توحید او را می‌رساند و می‌فهماند، با آنکه وی درباره یوسف غرق اندوه و تأسف است در عین حال یوسف را نمی‌خواهد و به وی عشق نمی‌ورزد مگر به‌خاطر خدا و در راه خدا (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۱۴۱).

۱۰- اهداف تربیتی مبتنی بر عنصر عاطفی در ایجاد صبر

بعد گرایشی یا عاطفی در انسان راهکارهای افزایش میل و انگیزه درونی نسبت به انجام تکلیف و دستورات الهی در انسان را ایجاد می‌کند و بر اساس همین عنصر است که انسان‌ها بر مبنای باورها و اعتقادات خود نسبت به پدیده‌های مختلف در جهان پیرامون دارای احساس‌ها و عواطف گوناگونی هستند، دوستی و نفرت دو نمونه از عواطف و احساسات مثبت و منفی نگرش می‌باشند (عسگری قدس، ۱۳۹۱، ص ۱۹).

اهمیت این هدف تربیتی تا آنجا بود که مانع کشته شدن یوسف به دست برادرانش شد. مدیریت احساسات و عواطف برادر بزرگتر که تربیت یافته‌تر از سایر برادران بود، یوسف را از دام مرگ نجات داد: «قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَأَلْقُوهُ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطُهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ»؛ گوینده‌ای از میان آنان گفت: «یوسف را مکشید. اگر کاری می‌کنید، او را در نهانخانه

جاه بیفکنید، تا برخی از مسافران او را بگیرند» (یوسف: ۱۰).

بر همین اساس، یوسف علی‌رغم بی‌مهری‌های برادران در مواجهه با برادران برخورد خصمانه نداشته است: «قَالَ لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمْ أَيُّومَ يُغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»؛ [یوسف] گفت: «امروز بر شما سرزنشی نیست. خدا شما را می‌آمرزد و او مهربانترین مهربانان است» (یوسف: ۹۲).

۱۱- اهداف تربیتی مبتنی بر عنصر رفتاری در ایجاد صبر

بعد رفتاری یا عملی آن دسته از گزاره‌های تربیتی قرآن است که رفتار مطلوب را در انسان ایجاد می‌کند و او را به سمت انجام رفتار شایسته سوق داده و از انجام عمل ناشایست منع می‌نماید. ایجاد رفتار مطلوب در انسان از جمله اهداف مهم تربیتی قرآن کریم است. در ادامه اهداف تربیتی مبتنی بر عنصر رفتاری در ایجاد صبر با محوریت سوره مبارکه یوسف تبیین گردیده است.

۱۱-۱- تربیت فرزندان

برخی از محققان، از جمله عوامل تکوین نگرش‌ها را برآورده شدن نیازهای شخصی عنوان کرده‌اند؛ به عنوان مثال دانشجویی که با وجود همه مشکلات به تحصیل ادامه می‌دهد، ثابت می‌کند نسبت به درس و تحصیل، نگرش مثبتی دارد (گولد، ۱۳۷۶، ص ۸۶۲). حضرت یعقوب^(ع) نیز اگر در برابر خطاهای فرزندان صبر می‌کند نگرش مثبت نسبت به هدایت فرزندان دارد. صبر حضرت یعقوب^(ع) در تربیت فرزندان خاطی نتیجه داد. حضرت یعقوب^(ع) در راستای تربیت فرزندان ضمن صبر از هیچ تلاشی برای تربیت فرزندان فروگذار نکرد، چنانکه خطای فرزندان را به خودشان نسبت نداد بلکه گفت: «قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً» (یوسف: ۱۸): «[چنین نیست] بلکه نفس شما امری [نادرست] را برای شما آراسته است». همچنین عدم گلیزه از فرزندان نزد دیگران و در میان گذاشتن با خداوند و... نیز در مواجهه با عذرخواهی فرزندان فرمود: «قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (یوسف: ۹۸): گفت: به زودی از پروردگارم برای شما آمرزش می‌خواهم، که او همانا آمرزنده مهربان است».

۱۱-۲- تنظیم روابط درون خانوادگی

برادران حضرت یوسف^(ع) علاوه بر بی‌مهری‌هایی که نسبت به حضرت یوسف کردند در سفر دوم به مصر که بنیامین را همراه خود بردند و در پی نقشه یوسف^(ع) برای نگاه داشتن بنیامین نزد خودش، بنیامین به دزدی متهم شد و برادران نه تنها وی را حمایت نکردند، بلکه آنها هم وی را توبیخ و در حضور حضرت یوسف^(ع) کار ناشایست دزدی را به کار برادرش یوسف همانند کردند و گفتند: «قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا يَوْسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ» (یوسف: ۷۷): گفتند: «اگر او دزدی کرده، پیش از این [نیز] برادرش دزدی کرده است.» یوسف این [سخن] را در دل خود پنهان داشت و آن را برایشان آشکار نکرد [ولی] گفت: «موقعیت شما بدتر [از او] ست، و خدا به آنچه وصف می‌کنید داناتر است».

در واقع اغلب افراد اطلاعاتی را جست‌وجو و انتخاب می‌کنند که باورها و نگرش‌هایشان را

تأیید کند نه اطلاعاتی که ممکن است باورهای آنان را تأیید نکند. علاوه بر این افراد معمولاً وقتی در معرض اطلاعاتی قرار می‌گیرند که نمی‌توان از آنها اجتناب کرد معمولاً این اطلاعات را همسو با نگرش‌های خویش تفسیر می‌کنند. به‌طور کلی سازه نگرش‌ها واسطه و رابطه مهمی بین اطلاعات دریافتی از محیط و چگونگی واکنش ما به آن اطلاعات محسوب می‌شود و نگرش‌ها ممکن است تا حدود زیادی تعیین‌کننده نحوه واکنش انسان، در برابر محرک‌های اجتماعی باشند و نگرش منفی یا پیش‌داوری نسبت به گروه غیرخودی می‌تواند به رفتار تبعیض‌آمیز یا حتی به اعمال خشونت مستقیم منجر شود (یوسفی، تجربه‌کار، ۱۳۹۵، ص ۳).

برادران یوسف همواره نسبت به یوسف و برادرش نگرش منفی داشتند که منجر به رفتارهای خشونت‌آمیز نسبت به آنها شد، اما در مقابل حضرت یوسف و حضرت یعقوب با اخلاقیات و افکار آنها آشنایی داشتند چرا که گفته شده اگر از نگرش‌های دیگران اطلاع داشته باشیم، رفتار آنها، پیش‌بینی‌پذیرتر خواهد شد. این آگاهی در تغییر نگرش و کنترل رفتار آنها کمک کننده بود. حضرت یوسف و حضرت یعقوب، تلاش کردند به منظور هدایت و همچنین تنظیم و بهبود روابط خانوادگی در نگرش و افکار آنها تغییر ایجاد کنند و طی کردن این فرایند از جمله اهداف صبر یعقوب^(۴) و حضرت یوسف^(۵) بود و شاهد بر این مطلب برخورد حضرت یوسف^(۶) با برادران است.

یوسف به برادران حسود و جفاکار خود، مخفیانه هدیه می‌دهد تا زمینه را برای مراجعت آنها فراهم سازد. قرآن می‌فرماید: «ادْفَعْ بِأَلْتِي هِيَ أَحْسَنُ (فصلت: ۳۴)؛ بدی را با خوبی دفع کنید» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۲۴۵). یوسف در مواجهه با برادران می‌فرماید: «لَا تَثْرِيْبَ عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (یوسف: ۹۲)؛ [یوسف] گفت: امروز بر شما سرزنشی نیست. خدا شما را می‌آمرزد و او مهربانترین مهربانان است».

۱۲- مبانی تربیتی مبتنی بر عناصر نگرش‌سازی در ایجاد صبر در سوره یوسف

«مبانی» آن دسته از گزاره‌های خبری (توصیفی و تحلیلی) بدیهی یا اثبات شده‌اند، اصول موضوعه که ناظر به هست‌ها و نیست‌ها بوده و می‌توانند زیربنای بنیان‌های دیگر (اهداف، اصول، روش‌ها، ساخت‌ها، مراحل، عوامل یا موانع) قرار گیرند (شاملی، بی‌تا، ص ۵۱). در ادامه مطالب سعی بر این است که مبانی تربیتی مبتنی بر عناصر نگرش‌سازی (عنصر شناختی، عاطفی و رفتاری) تبیین گردد.

۱۳- مبانی تربیتی مبتنی بر عنصر شناختی در ایجاد صبر

انسان موجودی اندیشه‌ورز است. گفته شده است انسان در بعضی موقعیت‌ها، با دقت و به‌طور عمدی درباره نگرش‌های خود و تلویحات آنها برای رفتارهایشان می‌اندیشند، بینش نسبت به ماهیت فرآیند در چهار چوب نظریه عمل مستدل حاصل می‌شود، نظریه‌ای که بعداً توسعه داده شد و به نام نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده شهرت یافت. نظریه عمل مستدل با این مفهوم آغاز

می‌کند که تصمیم به دست زدن به یک رفتار خاص حاصل یک فرایند منطقی است. گزینه‌های رفتاری مختلفی بررسی می‌شوند، پیامدها و بازده‌های هر کدام ارزیابی می‌شود و تصمیم گرفته می‌شود که عمل انجام گیرد یا انجام نگیرد. آن تصمیم سپس در قصدهای رفتاری بازتاب می‌یابد که اغلب پیش‌بینی کننده‌هایی قوی از چگونگی عمل انسان در یک موقعیت مفروض هستند (یوسفی، تجربه‌کار، ۱۳۹۵، ص ۸).

طبق مبنای اندیشه‌ورز بودن انسان، حضرت یعقوب^(ع) و حضرت یوسف^(ع) با توجّه به اینکه از انبیای الهی بودند نسبت به این موضوع پیشگام‌تر بودند. منشأ اصلی صبر حضرت یعقوب^(ع) و حضرت یوسف^(ع) شناخت و علم آنها نسبت به موضوع است. آیه ۶۸ سوره یوسف می‌فرماید: «وَإِنَّهُ لَدُوٌّ عَلِيمٌ لِّمَا عَلَّمْنَاهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛ و او (یعقوب) به‌خاطر تعلیمی که ما به او دادیم، علم فراوانی داشت ولی بیشتر مردم نمی‌دانند». آیه ۸۶ نیز این مسأله را تأیید می‌نماید. همچنین آیه ۲۲ سوره یوسف درباره حضرت یوسف^(ع) می‌فرماید: «وَ لَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَ عِلْمًا وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (یوسف: ۲۲)؛ و چون به حدّ رشد رسید، او را حکمت و دانش عطا کردیم، و نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم».

۱۴- مبانی تربیتی مبتنی بر عنصر رفتاری در ایجاد صبر

در ادامه مطلب سعی بر آن است که مبانی تربیتی مبتنی بر عنصر رفتاری در ایجاد خصیصه صبر با محوریت آیات سوره مبارکه یوسف تبیین گردد:

۱-۱۴- مسئولیت‌گرایی

انسان موجودی مسئولیت‌گرا است (شاملی، بی‌تا، ص ۱۳۵). طبق این مبنا یعقوب^(ع) و حضرت یوسف^(ع) در مواجهه با مشکلات ایجاد شده صبر پیشه کردند. حضرت یعقوب^(ع) مسئولیت تربیت فرزندان را برعهده داشت؛ بنابراین برای مساعد شدن شرایط تربیت فرزندان صبر نمود و حضرت یوسف^(ع) نیز برای ساخته شدن و رسیدن به مقام والای نبوت، بهبود روابط درون خانوادگی و هدایت جامعه به سوی یکتاپرستی و نهادینه کردن ارزشها مشکلات زیادی را متحمل گشت. گفته شده است وراثت و تربیت را می‌توان دو خاستگاه ایجاد نگرش‌ها برشمرد (یوسفی، تجربه‌کار، ۱۳۹۵، ص ۴). حضرت یعقوب برای تغییر نگرش در فرزندان خاطی امید به هدایت فرزندان داشت و با صبر این هدف را محقق ساخت.

۲-۱۴- انتخاب‌گری و انتخاب راه صبر با تکیه بر ایمان

انسان در مواجهه با مشکلات و مصائب دو واکنش را می‌تواند اتخاذ کند:

صبر و تحمل (از عوامل تربیتی)

بی‌صبری (از موانع تربیتی)

صبر باعث رشد انسان می‌شود و در مقابل، بی‌صبری نتیجه مطلوبی را در پی نخواهد داشت. اتخاذ کردن هر یک از دو واکنش به حدت نگرش فرد بستگی دارد؛ حدت نگرش میزان نیرومندی احساس یک فرد درباره یک موضوع است. یکی از تعیین‌کننده‌های کلیدی این نگرش چیزی است

که روانشناسان اجتماعی آن را نفع شخصی می‌نامند. یعنی میزانی که نگرش به علایق دارنده نگرش ربط دارد، که معمولاً به اینجا ختم می‌شود که آیا شیء یا موضوع مورد نگرش دارای پیامدهای مهمی برای این شخص هست یا نیست (یوسفی، تجربه‌کار، ۱۳۹۵، ص ۸).

حضرت یوسف^(ع) با شناخت مقوله‌های ارزشی و قدرت ایمان در مواجهه با پیشامدهای ناخوشایند مسریصر را در پیش گرفت؛ وی در مقابل درخواست ناشایست زلیخا با قدرت ایمان و استعانت از خداوند و صبر خود را نجات داد. قرآن کریم در آیه ۲۳ سوره یوسف در این باره می‌فرماید: «وَرَاوَدْتُهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْت لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (یوسف: ۲۳)؛ و آن [بانو] که وی در خانه‌اش بود خواست از او کام گیرد، و درها را [پیاپی] چفت کرد و گفت: «بیا که از آن توام!» [یوسف] گفت: «پناه بر خدا، او آقای من است، به من جای نیکو داده است، قطعاً ستمکاران رستگار نمی‌شوند.» میل جنسی در هر انسانی وجود دارد و پیامبران نیز از این امر مستثنی نبوده‌اند؛ چنانچه قرآن از زبان حضرت یوسف^(ع) در آیه ۵۳ سوره یوسف می‌فرماید: «وَمَا أُبْرِيءُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّيَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (یوسف: ۵۳)؛ و من نفس خود را تپرنه نمی‌کنم، چرا که نفس قطعاً به بدی امر می‌کند، مگر کسی را که خدا رحم کند، زیرا پروردگار من آمرزنده مهربان است.» و لکن تفاوت عملکرد در معرکه گناه و صبوری کردن در میزان ایمان است؛ چنانچه در آیه ۲۴ سوره یوسف می‌فرماید: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ (یوسف: ۲۴)؛ و در حقیقت [آن زن] آهنگ وی کرد، و [یوسف نیز] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود، آهنگ او می‌کرد. چنین [کردیم] تا بدی و زشتکاری را از او بازگردانیم، چرا که او از بندگان مخلص ما بود.»

۱۵- اصول تربیتی مبتنی بر عناصر نگرش‌سازی در ایجاد صبر در سوره یوسف

«اصول تربیتی» به دستورالعمل‌های کلی گفته می‌شود (باقری، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۸۷). در ادامه مطلب سعی بر این است که دستورالعمل‌های کلی مبتنی بر عناصر نگرش‌سازی در ایجاد صبر با محوریت سوره یوسف تبیین گردد.

۱۶- اصول تربیتی مبتنی بر عنصر شناختی در ایجاد صبر

تعقل و اندیشیدن درباره پیامد صبر و بی‌صبری در پیشامدها شیوه عقلاست و انبیاء^(ع) سرآمد عقلا بودند. حضرت یعقوب^(ع) و حضرت یوسف^(ع) با تکیه بر معرفت الهی در مقابل پیشامدهای سخت راه صبر را در پیش گرفتند. حضرت یعقوب^(ع) در پاسخ به اعتراض فرزندان مبنی بر یادآوری خاطرات حضرت یوسف^(ع) فرمود: «أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (یوسف: ۸۶)؛ از [عنایت] خدا چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.»

۱۷- اصول تربیتی مبتنی بر عنصر رفتاری در ایجاد صبر

اصل فرایندمداری و تربیت گام به گام از اصول مهم تربیتی است. در واقع برای تربیت مرتبی باید فرایندی طی شود و طی شدن این فرایند، صبر و تحمل مرتبی را می‌طلبد. حضرت یعقوب^(ع) در مواجهه با فرزندان خاطی و برای تربیت، تصحیح و تغییر نگرش‌های آنها صبر کرد و در این راستا با فرزندان خود گفتگو نمود و حتی خطای فرزندان را به خودشان نسبت نداد بلکه گفت: «چنین نیست» بلکه نفس شما امری [نادرست] را برای شما آراسته است. همچنین از فرزندان نزد دیگران گلایه نکرد: «قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (یوسف: ۸۳)؛ [یعقوب] گفت: «چنین نیست» بلکه نفس شما امری [نادرست] را برای شما آراسته است. پس [صبر من] صبری نیکوست. امید که خدا همه آنان را به سوی من [باز] آورد، که او دانای حکیم است.»

تغییر نگرش در خلأ شکل نمی‌گیرد بلکه در شکل‌گیری نگرش فرایندی باید طی شود که صبر و برنامه‌ریزی مرتبی را می‌طلبد. شکل‌گیری نگرش ممکن است حاصل مشاهده یک رویداد منفی یا مثبت باشد. در این صورت ممکن است نگرش‌های منفی یا مثبت در انسان شکل گیرد و از سوی دیگر هیچ کاری دشوارتر از این نیست که بدون تغییر دادن احساسات درونی انسان، اعمال بیرونی‌اش تغییر کند.

تغییر نگرش در برادران یوسف در نتیجه مشاهده نتیجه رفتارهای خودشان نسبت به یوسف ایجاد شد و چون نگرش‌شان نسبت به برادر تغییر کرد احساساتشان نیز نسبت به برادرشان یوسف مثبت گردید و در پی آن اعمال بیرونی و عواطف دورن خانوادگی که حضرت یعقوب در تربیت فرزندان مد نظر داشت با در پیش گرفتن صبر برای تحقق این هدف محقق شد.

روش‌های تربیتی مبتنی بر عناصر نگرش‌سازی در ایجاد صبر در سوره یوسف روش‌های تربیتی به دستورالعمل‌های جزئی گفته می‌شود (باقری، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۸۹). در ادامه مطلب سعی بر آن است که دستورالعمل‌های جزئی مبتنی بر عناصر نگرش‌سازی در ایجاد صبر با محوریت سوره یوسف تبیین گردد.

۱۸- روش‌های تربیتی مبتنی عنصر شناختی در ایجاد صبر

در حیطه شناختی برای ایجاد صبر، علم روانشناسی معتقد است: در روش‌های خود آموزش‌دهی، افراد با استفاده از اطلاعات، جنبه‌های مثبت صبر کردن و ضررهای بی‌تابی را برای خود متذکر می‌شوند تا که راه صبر در پیش گیرند (ثابت، ۱۳۹۱، ص ۱۰۰).

حضرت یوسف^(ع) بر همه مصائب صبر کرد، زیرا به واسطه تعبیر خوابش از سوی پدر علم به پایان خوش این پیشامدهای ناخوشایند داشت.

قرآن کریم درباره این مطلب می‌فرماید: «إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ (یوسف: ۴)؛ [یاد کن] زمانی را که یوسف به پدرش گفت: «ای پدر، من [در خواب] یازده ستاره را با خورشید و ماه دیدم، دیدم [آن‌ها] برای من سجده

می‌کنند».

پدر خواب را چنین تعبیر کرد: «وَ كَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَّبُّكَ وَ يَعْلَمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَ يَتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَهَّهَا عَلَى أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (یوسف: ۶)؛ و این چنین، پروردگارت تو را برمی‌گزیند، و از تعبیر خوابها به تو می‌آموزد، و نعمتش را بر تو و بر خاندان یعقوب تمام می‌کند، همان گونه که قبلاً بر پدران تو، ابراهیم و اسحاق تمام کرد. در حقیقت پروردگار تو دانای حکیم است».

صبر یوسف^(۷) نتیجه داد: «وَ رَفَعَ أَبُو يَهُ عَلَى الْعَرْشِ وَ خَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَ قَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَ قَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَ جَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَ بَيْنَ إِخْوَتِي إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (یوسف: ۱۰۰)؛ و پدر و مادرش را به تخت برنشانید، و [همه آنان] پیش او به سجده درافتادند، و [یوسف] گفت: «ای پدر، این است تعبیر خواب پیشین من، به یقین پروردگارم آن را راست گردانید و به من احسان کرد آنگاه که مرا از زندان خارج ساخت و شما را از بیابان [کنعان به مصر] باز آورد - پس از آنکه شیطان میان من و برادرانم را به هم زد- بی گمان، پروردگار من نسبت به آنچه بخواهد صاحب لطف است، زیرا که او دانای حکیم است».

۱۹- روش‌های تربیتی مبتنی بر عنصر عاطفی در ایجاد صبر

همانطور که قبلاً اشاره شد بُعد گرایشی یا عاطفی در انسان راهکارهای افزایش میل و انگیزه درونی نسبت به انجام تکلیف و دستورات الهی در انسان ایجاد می‌کند. در ادامه مطلب سعی بر این است که روش‌های تربیتی مبتنی بر عنصر عاطفی در ایجاد صبر با محوریت سوره یوسف تبیین گردد.

۱۹-۱- توجه به پسنده بودن ویژگی صبر از نظر اخلاقی

نگرش یک جنبه مهم از زندگی عاطفی و احساسی ما را تشکیل می‌دهد. ما نسبت به افراد و اندیشه‌ها نظرهای خاصی داریم که ناشی از اطلاع ما از آنها، احساس ما نسبت به آنها و تمایل ما به انجام عملی در مورد آنهاست. این گونه نظرها غالباً تعیین‌کننده شیوه برخورد ما با آن اشیاء افراد یا اندیشه‌هاست (عسگری قدس، ۱۳۹۱، ص ۱۰). چنانچه حضرت یعقوب^(۸) با توجه به درک ارزشی بودن مقوله صبر و دریافت نتیجه مطلوب از صبوری کردن در آن شرایط، در آیه ۱۸ سوره یوسف می‌گوید: «وَ جَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّيْتُ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ (یوسف: ۱۸)؛ و پیراهنش را [آغشته] به خونی دروغین آوردند. [یعقوب] گفت: «[نه] بلکه تفس شما کاری [بد] را برای شما آراسته است. اینک صبوری نیکو [برای من بهتر است]. و بر آنچه توصیف می‌کنید، خدا یاری‌ده است».

خداوند یک بار یعقوب را با غیبت یوسف و بار دیگر با رفتن پسرش بنیامین برادر تنی یوسف آزمود و او در هر دو مورد صبر کرد و در مورد اخیر کار دشوارتر بود، زیرا یعقوب فراموش نکرده بود که پسرانش یوسف را بردند و در چاه افکندند. اما ضرورت عقلانی را بر خواسته نفس برتری

نهاد و پسر عزیزش را با آنان فرستاد (مدرسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۹۰-۱۹۱).
علم روانشناسی برای ایجاد صبر روش‌های تقویت تفکیکی رفتارهای رقیب را پیشنهاد کرده است به این صورت که گاهی انسانها در مقابل دو رفتار رقیب قرار می‌گیرند که یکی از آنها از لحاظ مذهبی نامناسب است (مثل خشم، شهوت و کینه‌توزی) و یکی دیگر متناسب و پسندیده است (مثل عفت، حلم و گذشت، صبر) در این صورت با تقویت رفتارهای رقیب و مناسب و تضعیف رفتارهای نامناسب، فرد می‌تواند خود را به سوی رفتارهای مناسب سوق دهد و از رفتارهای نامناسب بازدارد (ثابت، ۱۳۹۱، ص ۹۹).

۱۹-۲- امید به وعده الهی مبنی بر گشایش سختی‌ها

مشکل و محنت روزگار هر چه باشد مقطعی و گذرا است. قرآن مجید به همه افراد نوید می‌دهد که همیشه کنار سختی‌ها آسانی وجود دارد: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (انشرح: ۵)؛ پس (بدان که) با هر سختی آسانی است.

سوره یوسف آیه ۹۰ می‌فرماید: «قَالُوا أَيْنَك لَأَنَّتَ يَوْسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَ هَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (یوسف: ۹۰)؛ گفتند: «آیا تو همان یوسفی؟!» گفت: «(آری) من یوسفم و این برادر من است! خداوند بر ما منت گذارد؛ هر کس تقوا پیشه کند و شکیبایی و استقامت نماید (سرانجام پیروز می‌شود) چرا که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند».

بنا بر نظریه شناختی اجتماعی، افرادی که ذهنیت ناکارآمدی نسبت به خود دارند دچار اضطراب می‌شوند (لارنس، الیور جان، ۱۳۸۱، ص ۴۰۰) و لیکن با صبر کردن و توجه به دستاوردها در کنار شکست‌های پیش آمده، از میزان اضطراب کاسته می‌شود.

دیدگاه انسان‌گرایی معتقد است محیطی که تمایلات انسان را برای گام برداشتن به سوی تحقق خود یا خودشکوفایی سد می‌کند، موجب گسترش اضطراب در فرد می‌شود (آزاد، ۱۳۷۴، ص ۱۷۰) و لیکن انسان با صبر می‌تواند به فرصت‌هایی دست یابد که با استفاده از آن می‌تواند بر مشکلات غلبه کند.

۲۰- روش‌های تربیتی مبتنی بر عنصر رفتاری در ایجاد صبر

عنصر رفتاری انسان را به سوی انجام رفتار شایسته سوق می‌دهد و در اینجا بررسی روشهای تربیتی مبتنی بر عنصر رفتاری در ایجاد صبر مد نظر قرار گرفته است:

۲۰-۱- تلاش برای تنظیم روابط

در مورد تأثیر متقابل رفتار بر نگرش و نگرش بر رفتار، دو دیدگاه وجود دارد. در دیدگاه اول اعتقاد بر این است که نگرش عامل اصلی در تغییر رفتار است و اگر نگرش افراد را بتوانیم تغییر دهیم رفتار آنها نیز تغییر خواهد کرد. دیدگاه دوم بر این عقیده است که تغییر رفتار خود به خود باعث تغییر نگرش در افراد خواهد شد. بنابراین باید گفت که هر دو این دیدگاه‌ها صادق و صحیح می‌باشند و در جایگاه خود کارایی لازم را دارند (عسگری قدس، ۱۳۹۱، ص ۳۶-۳۷). در واقع

رفتار و نگرش بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند.

نگرشی که سرچشمه‌اش نگاه و اندیشه پیامبری بود عملکرد حضرت یوسف را در برابر برادران خطاکارش متفاوت ساخت و برای هدایت برادران و تنظیم روابط درون خانوادگی صبر پیشه کرد و در مواجهه با آنها از خطاهایشان گذشت و برادران را بخشید: «لَا تَتْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (یوسف: ۹۲)؛ امروز بر شما سرزنشی نیست. خدا شما را می‌آمرزد و او مهربانترین مهربانان است».

۲-۲۰- دعا و کمک خواستن از خدا

قرآن کریم داستان حضرت یعقوب^(ع) را که اسطوره‌ای از صبر و شکیبایی است بیان می‌فرماید: «وَ جَاءُ عَلٰی قَمِيصِهِ بَدْمٌ كَذِبٌ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ اَنْفُسُكُمْ اَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيْلٌ وَ اللّٰهُ اَلْمُسْتَعَانُ عَلٰی مَا تَصِفُوْنَ» (یوسف: ۱۸)؛ (برادران یوسف) پیراهن او را با خونی دروغین (نزد پدر) آوردند، (حضرت خطاب به فرزندان) گفت: هوس‌های نفسانی شما، این کار را در نظرتان زینت داده، من صبر جمیل می‌کنم و از خداوند در برابر آنچه شما می‌گوئید یاری می‌طلبم».

دعا و کمک خواستن از خداوند و تکیه بر استعانت خداوند از جمله عوامل اصلی صبر حضرت یعقوب^(ع) و حضرت یوسف^(ع) و رسیدن به نتیجه مطلوب بوده است.

نگرش نتیجه آموزش است و بخش عمده آن در خانواده شکل گرفته و یا در روابط و از طریق آموزش‌های رسمی و غیر رسمی پدید می‌آید. از سوی دیگر نگرش‌ها، ویژگی‌های ذهنی افراد هستند که مشخصات دنیای اجتماعی و فیزیکی را در خود داشته و از راه تجربه نیز کسب می‌شوند (عسگری قدس، ۱۳۹۱، ص ۱۶). حضرت یوسف^(ع) تحت تربیت حضرت یعقوب^(ع) آشنا به ارزشها بود و از سوی دیگر در فراز و فرود زندگی اجتماعی متفاوتش تجربیات فراوانی کسب کرده بود و مهمتر از همه خود از انبیای الهی بود و با تکیه بر این دارایی‌های معنوی، در تمام مصائب و پیش‌آمدهای ناگوار توانست واکنش درست داشته باشد و در مواجهه با آن همه مصیبت و حوادث ناگوار شیوه صبوری را در پیش گرفت. چنانکه در قرآن آمده است که وی پس از فتنه زنان مصر و برای تحمل این مشکلات و صبر بر این مصائب از خداوند طلب استعانت کرد فرمود: «قَالَ رَبِّ السَّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْآجَاهِلِينَ» (یوسف: ۳۳)؛ یوسف گفت: «پروردگارا، زندان برای من دوست‌داشتنی‌تر است از آنچه مرا به آن می‌خوانند، و اگر نیرنگ آنان را از من بازنگردانی، به سوی آنان خواهم گرایید و از [جمله] نادانان خواهم شد» «فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (یوسف: ۳۴)؛ پس، پروردگارش [دعای] او را اجابت کرد و نیرنگ آنان را از او برگردانید. آری او شنوای داناست».

۲-۲۱- عوامل و موانع تربیتی مبتنی بر عناصر نگرش‌سازی در ایجاد صبر در سوره یوسف

«عوامل تربیتی» به اموری اطلاق می‌شوند که می‌توانند به طور مستقیم یا غیر مستقیم چند جانبه یا از جهتی خاص، با قصد یا بدون قصد و عموماً به تدریج، در تحقق اهداف تربیت مؤثر باشند و «موانع تربیتی» چیزهایی هستند که به صورت حقیقی یا عرفی در روند و تحقق اهداف

تربیت تأثیر منفی گذاشته و فرایند تربیت را کند، متوقف و یا منحل می‌کنند، یا از کار می‌اندازند (جمعی از نویسندگان، بی‌تا، ص ۱۹۵).

در ادامه مطلب سعی بر این است که عوامل و موانع تربیتی مبتنی بر عناصر نگرش‌سازی در ایجاد صبر با محوریت سوره یوسف تبیین گردد.

۲۲- عوامل و موانع تربیتی مبتنی بر عنصر شناختی در ایجاد صبر

عناصر شناختی شامل اعتقادات و باورهای شخص درباره یک شیء یا اندیشه است. افراد نسبت به پدیده‌ها و آنچه که پیرامون آنها است دارای آگاهی‌ها و اطلاعات متفاوتی بوده و به شیوه‌های مختلفی به بررسی آنها می‌پردازند و به ادراکات و شناخت‌های متفاوتی از آن مقوله‌ها دست می‌یابند. همین ادراکات و شناخت‌های مختلف است که عنصر شناختی نگرش آنها را تشکیل می‌دهد و بنابراین افراد در مقایسه با یکدیگر نگرش‌های متفاوتی نسبت به جهان پیرامون خود دارند (عسگری قدس، ۱۳۹۱، ص ۱۹).

سرچشمه آگاهی‌های حضرت یعقوب^(ع) و حضرت یوسف^(ع) علم و حکمت خداوند بود، همچنانکه یقین و باور حضرت یعقوب^(ع) موجب بهره‌مندی‌اش از صبر و شکیبایی شد: «قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (یوسف: ۸۳)؛ [یعقوب] گفت: [چنین نیست] بلکه نفس شما امری [نادرست] را برای شما آراسته است. پس [صبر من] صبری نیکوست. امید که خدا همه آنان را به سوی من [باز] آورد، که او دانای حکیم است».

جمله «إِنَّهُ هُوَ» علاوه بر اینکه تعلیل برای «عَسَى اللَّهُ...» است می‌تواند بیان علت برای «فَصَبْرٌ جَمِيلٌ» نیز باشد (زمخشری، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۹۶).

همچنین برخی روانشناسان بر این باورند که: تعلق کودک در خانواده به عنوان عضوی از آن سبب می‌شود که نگرشی مشابه نگرش خانواده را در خود شکل دهد (گولد، ۱۳۷۶، ص ۸۶۲). حضرت یوسف^(ع) نیز با عنایت به آموزش‌ها و تربیت‌های خانوادگی و در سایه تربیت عرفانی و الهی و شناخت و معرفت عمیق، از انحراف و لغزشی بزرگ و جبران‌ناپذیر مصون ماند و توانست صبر پیشه سازد. چنانکه اگر این شناخت و معرفت وجود نداشت: «وَرَاوَدْنَاهُ أَلْتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَ عَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَ قَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (یوسف: ۲۳)؛ و آن [بانو] که وی در خانه‌اش بود خواست از او کام گیرد، و درها را [پیاپی] چفت کرد و گفت: بیا که از آن توام! [یوسف] گفت: پناه بر خدا، او آقای من است. به من جای نیکو داده است. قطعاً ستمکاران رستگار نمی‌شوند».

۲۳- عوامل و موانع تربیتی مبتنی بر عنصر عاطفی در ایجاد صبر

مهرورزی یوسف^(ع) و به فراموشی سپردن بی‌مهری‌های برادران باعث شد حضرت یوسف^(ع) بر مصائب و مشکلات و حوادث ناخوشایند صبر کند و عنصر محبت و عاطفه باعث شد یوسف در

مواجهه با برادران برخورد خصمانه نداشته باشد: «قَالَ لَا تَتْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (یوسف: ۹۲)؛ [یوسف] گفت: امروز بر شما سرزنی نیست. خدا شما را می‌آمرزد و او مهربانترین مهربانان است».

و هنگامی که بر یوسف وارد شدند، برادرش [بنیامین] را نزد خود جای داد [و] گفت: «إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ مِمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (یوسف: ۹۲)؛ من برادر تو هستم. بنابراین از آنچه [برادران] می‌کردند، غمگین مباش».

۲۴- عوامل و موانع تربیتی مبتنی بر عنصر رفتاری در ایجاد صبر

فردی که نگرش مثبتی نسبت به یک شیء یا یک موضوع دارد، تمایل و آمادگی دارد تا در همان زمینه اقدامات و اعمالی را انجام دهد (عسگری قدس، ۱۳۹۱، ص ۲۰). حضرت یعقوب^(ع) و حضرت یوسف^(ع) نیز وظیفه رسالت و نبوت را بر عهده داشتند و موضوع انجام رسالت الهی باعث شد حضرت یوسف^(ع) رنج فراق پدر، بی‌مهری‌های برادران، تهمت ناروا و رنج زندان را تحمل کند. همان رسالتی که مزدهاش را پدر در کودکی به او داده بود: «وَ كَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَ يَتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَهَمَّهَا عَلَى أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (یوسف: ۶)؛ و این چنین، پروردگارت تو را برمی‌گزیند و از تعبیر خوابها به تو می‌آموزد و نعمتش را بر تو و بر خاندان یعقوب تمام می‌کند همان‌گونه که قبلاً بر پدران تو، ابراهیم و اسحاق، تمام کرد. در حقیقت، پروردگار تو دانای حکیم است».

حضرت یعقوب^(ع) نیز با اینکه به دروغ بودن داستان‌هایی که برادران حضرت یوسف^(ع) درباره حضرت یوسف^(ع) گفته بودند واقف بود ولیکن بر رنج فراق عزیزترین فرزند خود صبر کرد؛ چرا که می‌دانست این آزمایش الهی است و این آزمایش سخت برای ساخته شدن نبی بعد از خودش است: «وَ جَاؤُ عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ (یوسف: ۱۸)؛ و پیراهنش را [آغشته] به خونی دروغین آوردند. [یعقوب] گفت: [نه] بلکه نفس شما کاری [بد] را برای شما آراسته است. اینک صبری نیکو [برای من بهتر است] و بر آنچه توصیف می‌کنید، خدا یاری‌ده است».

۲۵- نتیجه‌گیری

این پژوهش به منظور تحلیل و بررسی روش نگرش‌سازی در تربیت در موضوع صبر در قرآن کریم با محوریت سوره یوسف و با تکیه بر اهداف، ساحت‌ها، مبانی، اصول، روش‌ها و بررسی عوامل و موانع تربیتی در تبیین موضوع انجام شده است. روش اتخاذ شده در این پژوهش در تحلیل و بررسی سایر موضوعات تربیتی کاربرد دارد. در بررسی موضوعات تربیتی چون صبر، از نگاه آیات در نظر گرفتن مبانی، اهداف، اصول، روش‌ها، عوامل و موانع تربیتی نقش کلیدی دارد. از جمله اهداف تربیتی مبتنی بر عناصر نگرش‌سازی در ایجاد صبر در سوره یوسف می‌توان به بحث

درونی شدن ارزش‌ها و تنظیم روابط درون خانوادگی اشاره کرد. از مبانی تربیتی مبتنی بر عناصر نگرش‌سازی در ایجاد صبر در سوره یوسف می‌توان به مبانی مسئولیت‌گرایی و انتخاب‌گری و انتخاب راه صبر با تکیه بر ایمان اشاره کرد. همچنین در اصول تربیتی مبتنی بر عناصر نگرش‌سازی در ایجاد صبر به اصولی مانند: تعقل و اندیشیدن درباره پیامد صبر و بی‌صبری، اصل فرایندمداری و تربیت گام به گام اشاره شده است. در سوره یوسف به روش‌های تربیتی مبتنی بر عناصر نگرش‌سازی در ایجاد صبر اشاره شده است و به روش‌هایی مانند دعا و استعانت از خدا، تنظیم روابط و امیدواری اشاره شده است. عوامل تربیتی متعددی از سوره یوسف در ایجاد خصیصه صبر با توجه به عناصر نگرش‌سازی قابل استخراج است. عواملی مانند: اعتقادات، علم و حکمت، مهرورزی. همچنین در سوره یوسف به موانع توجه شده و مواردی مانند نادانی، بدگمانی و فرومایگی مورد اشاره قرار گرفته است.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، بی تا.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، بی تا.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
- آزاد، حسین، آسیب شناسی روانی، تهران: انتشارات بعثت پروین، ۱۳۷۴.
- آملی، سیدحیدر، تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخضم، تحقیق سیدمحسن موسوی تبریزی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۲۲ ق.
- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: مدرسه، ۱۳۸۵.
- بهشتی، محمد، مبانی تربیت از دیدگاه قرآن، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.
- بُهَنر، جرد و واینک، میکائیل، نگرش‌ها و تغییر آن‌ها؛ ترجمه علی مهداد، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۴.
- پاشا شریفی، حسن؛ شریفی، نسترن، اصول روان سنجی و روان آزمایی، تهران: رشد، ۱۳۸۱.
- جزائری، عبدالله بن نورالدین، بی تا، التحفة السنیة فی شرح النخبة المحسنیة، تحقیق سیدعلیرضا ریحان مدرس، تهران: محقق کتاب، بی تا.
- حسین ثابت، فریده، «مبانی دینی و تحلیل روان شناختی «صبر» با تکیه بر آیات قرآن کریم»، فصلنامه سراج منیر، شماره ۸، سال دوم، پاییز ۱۳۹۱، ص ۹۵-۱۱۳.
- خسروی، زهره، باقری، خسرو، راهنمای درونی کردن ارزش‌های اخلاقی از طریق برنامه درسی سال دوم، شماره ۸، ۱۳۸۷.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۲ ق.
- زحیلی، وهبه بن مصطفی، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، بیروت: دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۸ ق.
- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، بی جا: مکتبة العبیکان، بی تا.
- ستوده، هدایت‌الله، درآمدی بر روان شناسی اجتماعی، چاپ سوم، تهران: آوای نور، ۱۳۷۶.
- شاملی، عباس علی و دیگران، نظامنامه تربیتی جامعه المصطفی، بی جا: المصطفی، بی تا.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: بی تا.
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، تحقیق سیداحمد حسینی، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵.
- عسگری قدس، محمد، سمیه صالحی، نگرش کارآفرینانه، تهران: میانکوشک، ۱۳۹۱.
- فیض کاشانی، ملامحسن، رسائل فیض کاشانی، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۴۲۹ ق.
- قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.

- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، بی‌جا: اسلامیة، بی‌تا.
- کریمی، یوسف، روان‌شناسی اجتماعی، چاپ اول، تهران: بعثت، ۱۳۷۳.
- گولد، جولیس و کولب، ویلیام، فرهنگ علوم اجتماعی، چاپ اول، تهران: نشر مازیار، ۱۳۷۶.
- لارنس و الیور جان، شخصیت، نظریه و پژوهش، ترجمه محمد جعفر جوادی و پروین کدیور، ویرایش هشتم، چاپ اول، تهران: آبیژ، ۱۳۸۱.
- مدرسی، محمدتقی، تفسیر هدایت، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، بی‌تا.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول، ۱۳۶۰.
- موسوی، سمیه سادات، پایان نامه: تربیت اجتماعی در سیره معصومان، قم: جامعه الزهرا سلام‌الله علیها، ۱۳۹۷.
- یوسفی، فرزانه، تجربه کار، مهشید؛ نگرش و تغییر نگرش، چهارمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، کرمان: مطالعات اجتماعی و فرهنگی، ۱۳۹۵.
- The Holy Qur'an, translated by Muhammad Mahdi Fouladond.
- Ibn Manzur, Muhammad bin Makram, Lisan al-Arab, Dar Sader, Beirut, Beta.
- Ibn Manzoor, Muhammad bin Makram, Lisan al-Arab, Dar al-Ahya al-Turath al-Arabi, Beirut, PITA.
- Ibn Manzoor, Muhammad bin Makram, Lisan al-Arab, Dar al-Fikr, Beirut, 1414 BC.
- Azad, Hossein, Asib Shanasi Rawani, Insharat Parvin, Tehran, 1374.
- Amoli, Seyyed Haider, Tafsir of the Great Ocean and the Great Sea, edited by Seyed Mohsen Mousavi Tabrizi, Farhang and Arshad Islami, Tehran, 1422 AH.
- Bagheri, Khosrow, A New Look at Islamic Education, Tehran, Madrasa, 2015.
- Beheshti, Muhammad, Foundations of Education from the Didgah of the Qur'an, Publications of Farhang's Pzhohshgah and Islamic Endeesh, B-J, 1387.
- Bohner, Gerd and Vanik, Michael, Negrishha and Change Anha; Translated by Ali Mahdad, Nasheret Jangal, Tehran, 1384.
- Pasha Sharifi, Hassan; Sharifi, Nastern, The Origins of Rawan-Sanji and Rawan-Azmai, Rushd, Tehran, Hashtam, 1381.
- Jazairy, Abdallah bin Noureddine, BTA, Al-Tuhfah Al-Sunniyyah fi Sharh Al-Nukhba Al-Mohsiniyah, edited by Syed Alireza Rayhan Modarres, book reviewer, Tehran, Bit.
- Hussain Thabet, Farida, "Religious Buildings and Analysis of the Ruanshnakhti" Patience "Based on the Verses of the Holy Qur'an", chapter-name Siraj Mounir, Shamara 8, Sale Doom, Bayes 1391, pp. 113- 95.
- Khosravi, Zahra. Bagheri, Khosrow, Moral education, according to the course of the study program.

Sal Dom. Shamara 8, 1387.

- Ragheb Isfahani, Hussein bin Muhammad, Vocabulary in the Strange Qur'an, investigated by Safwan Adnan Daoudi, Dar Al-Alam, Beirut, 1412 BC.
- Zuhaili, Wahba bin Mustafa, The Enlightening Interpretation of Creed, Sharia and Methodology, Dar Al-Fikr Al-Moasr, Beirut, 1418 BC.
- Zamakhshari, Mahmoud bin Omar, Al-Kashf, Obeikan Library, Bija, Bita.
- Sotoudeh, Hedayatullah, Social Studies Doctor, Chap Soum, Tehran, Ava Noor, 1376.
- Shamli, Abbas Ali and Degran, Nizamama Tarbeti, Al-Mustafa University, Al-Mustafa, Bija, Bijata.
- Tabatabaei, Seyyed Muhammad Hossein, translation of the interpretation of the balance, Seyyed Muhammad Baqer Mousavi Hamedani, Publications of the University Teachers of the Qom Seminary, BJA, Betta.
- Taraihi, Fakhr al-Din, Bahrain Complex, edited by Seyyed Ahmad Hosseini, Book of Furushi Mortazavi, Tehran, 1375.
- Askari Quds, Muhammad, Sumaya Salehi, Negrash Karafrinana, Tehran: Miankoushk, 1391.
- Faiz Kashani, Mallam Mohsen, The Letters of Faiz Kashani, Ali Shahid Motahari School, Tehran, 1429 BC.
- My Reading, Mohsen, Nour's Interpretation, Farhangi Study Center on the Qur'an, Tehran, 1383.
- Kleini, Muhammad bin Yaqoub, al-Kafi, Islamiyyah, bija, bita.
- Karimi, Youssef, Social Rowanshanasi, First Class, Tehran, Ba'ath, 1373.
- Gould, Julius and Kolb, William, Farhang, Social Sciences, First Class, Tehran, Mazyar Publishing, 1376.
- Lawrence and Elor Jean, personality, theory and image, translated by Muhammad Jaafar Javadi and Parvin Kador, and Rayesh Hashtam, first chapter, Ayzh, Tehran, 1381.
- Modarisi, Mohammad Taqi, Hedayat's interpretation, Astan Quds Razavi, Islami Pedia, Beta.
- Mostafavi, Hassan, investigation into the words of the Holy Qur'an, its translation and book publication, Tehran, first chapter, 1360.
- Mousavi, Somaya Sadat, Payan Nameh; Social education in the biography of Masoman, Al-Zahra University, peace be upon her, Qom, 1397.
- Yousofi, Farzana, Mahshid Jerba Kar, Nagrish and Changing Nagrish, Shahramin Kanfrans Milli Expansion in Paidar in Educational Sciences and Roanchanas, Social Studies and Farhangi, Kerman, 1395.

